

همانطور که در مقاله قبل گفته شد سؤمین برهان «معاد» این است که در صحنه این جهان بسیاری از افراد بجای اینکه قدرت وامکانات خود را در جهت احیاء ارزشهای انسانی و تأمین رفاه بشر و شکوفا ساختن استعدادهای خداداد و رعایت حقوق و عدالت اقتصادی و اجتماعی بکار ببرند، آنرا در راه تجاوز به حقوق دیگران و استثمار و استعمار انسانها و سلب آزادی و بالأخره در راه ظلم و ستم بکار میاندازند.

و میدانیم ظلم بهر شکلی که صورت بگیرد به فرد یا به اجتماع، ظلم است و تجاوز به حقوق بهر نجوی که باشد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، مادی، معنوی، جسمی و روحی، تجاوز به حقوق است و بهر اندازه‌ای که شعاع آن وسیعتر و آثار زیانبار آن بیشتر باشد بهمان نسبت گناه آن بزرگتر است.

و از طرفی چون مجازات بیشتر این ظلم‌ها در این دنیا صورت نمی‌گیرد لذا بر «خداوند عادل» لازم است صحنه دیگری بوجود بیاورد تا در آن احقاق حق بعمل آید و انتقام مظلوم از ظالم گرفته شود (این مطلب بر اساس برهان عقلی و آیات قرآنی در مقاله قبل توضیح داده شد).

و نیز در مقاله قبل گفتیم چون عدالت بمعنای رعایت حقوق و ظلم به معنای تجاوز و تعدی به حقوق دیگران است لذا برای شناخت مفهوم کامل عدالت و ظلم باید حقوقی را که در اسلام مقرر شده است درست بشناسیم و بهمین مناسبت برخی از حقوق اسلامی را متذکر شدیم.

اکنون در دنباله آن بحث می‌گوئیم که در اسلام دامنه حقوق بسیار گسترده است و بر هر فرد مسلمان لازم است که در این مورد توجه و دقت بیشتری مبذول نماید.



آیت الله حسین نوری

معاد

قسمت پنجم



* سؤمین برهان معاد

* اهمیت حق در اسلام

* ظلم = تجاوز به حقوق

* ظلم به فرد ظلم به اجتماع

* قبح فطری و عقلی

* مکافات دنیوی مجازات

آخری

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه‌ای که در آغاز خلافت خود در رابطه با مسئولیت‌های فراوانی که بعهدۀ افراد گذارده شده است ایراد نمودند فرمودند:

انقروا الله فی عبادیه و بلادیه فانکم مسئولون عنی عن البقاع و النہائم!

یعنی: «از خداوند دربارهٔ بندگان و شهرهای

خدا بترسید زیرا شما حسی دربارهٔ زمین‌ها و چهارپایان نیز مسئولیت دارید» (یعنی نقاط زمین و چهارپایان نیز بعهدۀ شما حق دارند).

و چون دامنهٔ حقوق بسیار وسیع است و بحث کامل دربارهٔ آنها به تألیف کتاب و بلکه کتابها احتیاج دارد لذا در این مقاله به ذکر نمونه‌هایی از آن اکتفا می‌کنیم:

الف - حق برادر دینی

هر فردی از افراد مسلمان در هر جای دنیا باشد بر عهدهٔ مسلمانان دیگر این حق را دارد که نسبت به سرنوشت او از لحاظ فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و اخلاقی بی تفاوت نباشند و باندازهٔ امکانات خود گامهایی در راه تأمین رفاه و ترقی و آزادی وی و همچنین در رفع ظلم و محرومیت در صورتی که مستضعف و مظلوم باشد بردارند.

حضرت کاظم «ع» در مقابل خانهٔ کعبه ایستاده آنرا چنین مخاطب قرار داد: ای خانهٔ کعبه چه قدر حق تو بزرگ است ولی سوگند بخدا حق مؤمن از حق تو عظیم‌تر است.^۲

حضرت پیغمبر اکرم «ص» حقوق یک فرد مسلمان بر مسلمانان دیگر را در ۳۰ حق خلاصه کردند که ما تعدادی از آنها را در اینجا می‌آوریم:

- ۱- از لغزشهای او چشم‌پوشی کردن.
- ۲- عیب‌های او را پوشاندن.
- ۳- در حال درماندگی و احتیاج او را مورد ترحم قرار دادن.
- ۴- عذر او را قبول کردن.
- ۵- هرگاه کسی به غیبت کردن از او مبادرت کرد در برابر غیبت کننده ایستادن و از برادر دینی دفاع کردن.
- ۶- همیشه نسبت به او خیرخواه بودن و او را تصیحت کردن.

۷- هنگامی که مریض شد از او عبادت نمودن.

۸- هنگامی که از جهان درگذشت در تشییع جنازه وی شرکت کردن.

۹- دعوت او را اجابت نمودن.

۱۰- هدیه او را قبول کردن.

۱۱- احسان و نیکی او را جبران نمودن.

۱۲- در برابر نیکی ها و خدمات او از او تشکر کردن.

۱۳- خانواده او را حفظ کردن.

۱۴- حوائج او را برآوردن نمودن.

۱۵- وساطت او را پذیرفتن.

۱۶- گمشده او را پیدا کردن و بپا رساندن. (در صورت امکان)

۱۷- جواب سلام او را دادن.

۱۸- با گفتار گرم و پاکیزه با او صحبت کردن.

۱۹- او را چه در حال مظلوم واقع شدن و چه در حال ظلم کردن کمک کردن.

از آن پس حضرتش این جمله را توضیح دادند و فرمودند: یعنی: در حال مظلوم واقع شدن از او دفاع کند و او را تنها نگذارد و در حال ظلم کردن جلو ظلم او را بگیرد و نگذارد که ظلم کند.

۲۰- آنچه را که برای خود می پسندد برای او هم پسندد و آنچه را که برای خود نمی پسندد و ناروا میدانند برای او هم ناروا بدانند.^۳

ب- حق پدر و مادر

قرآن مجید در ۴ مورد در رابطه با حقوق پدر و مادر که یکی از مهمترین حق ها است میفرماید: «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» که یک مورد از آن باین ترتیب است:

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِلَهًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا نَهْرًا لَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِ صَغِيرًا^۴

یعنی: «خداوند حکم کرده است که غیر از او هرگز نپرستید و درباره پدر و مادر احسان و نیکی بعمل بیاورید و اگر یکی از آنها یا هر دو بدوران پیری رسیدند هرگز کوچکترین کلمه ای که آنها را آزرده خاطر سازد بآنها مگوئید و آنان را از خود مرنجانید همواره با آنها با تکریم سخن بگوئید و پروبال تواضع را در برابر آنها بگسترانید و درباره آنها دعا کنید و بگوئید پروردگارا آنان را مشمول رحمت خود قرار بده چنانکه آنها مرا در دوران کودکی تربیت کردند».

حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه فرمودند: «احسان» درباره پدر و مادر این است که مصاحبت با آنها را بر اساس احترام و حسن رفتار انجام بدهی و قبل از اینکه آنها اظهار احتیاج کنند در تأمین احتیاجات آنها بطور کامل کوشا باشی حتی نگاه تو بر چهره آنان باید آمیخته با محبت و احترام باشد و صدای خود را از صدای آنها بلندتر نکنی و در موقع راه رفتن از آنها جلو نیفتی و در هنگام نشستن پیش از آنها نشینی و به نیابت از آنها و بقصد آنها عبادتها را به انجام برسانی.^۵

ج- حق فرزند

البته فرزند نیز بر عهده پدر و مادر حقوق فراوانی دارد که در احادیث مذهبی توضیح داده شده است که از آن جمله بیان حضرت امیرمؤمنان «ع» در این مورد است:

حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُعَيِّنَ إِسْمَهُ وَيُحَيِّنَ آدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ^۶

یعنی: حق فرزند بر پدر این سه چیز است:
۱- برای او نام خوب انتخاب کند.
۲- در تعلیم و تربیت صحیح او کوشش نماید.
۳- مخصوصاً قرآن را به او بیاموزد.

د- حق مجلس

بطور کلی در فرهنگ اسلامی دامنه

حقوق باندازه ای وسیع است که انسان در هر جریان با حقوق فراوانی مواجه میشود مثلاً از دیدگاه اسلام حتی نشستن در یک مجلس، هر چند یک لحظه هم باشد موجب می گردد که آن مجلس حتی بر عهده کسانی که در آن مجلس شرکت نموده اند بوجود بیاید که در این رابطه حضرت رسول اکرم «ص» فرمودند:

«هر مجلسی که در آن شرکت می کنید حق آنرا ادا کنید».

از حضرتش سؤال شد که حق مجالس چیست؟

در پاسخ فرمودند:

۱- چشمهای خود را از نگاههای ناروا بپوشانید.

۲- جواب سلام افرادی را که وارد آن مجلس میشوند بدهید.

۳- به افراد جاهل علم و آگاهی بیاموزید.

۴- امر به معروف کنید.

۵- نهی از منکر نمائید.^۷

ه- حق حیوان

حتی برای حیوانات نیز بر عهده صاحبانشان حقوق بسیاری ذکر شده است که برای نمونه یکی از صدها حدیثی که در این مورد وجود دارد را ذکر می کنیم:

حضرت پیغمبر اکرم «ص» فرمودند از برای حیوان بر عهده صاحبش چند حق است:

۱- در هر منزلی که فرود میآید پیش از انجام هر کاری، علوفه در اختیار آن بگذارد.

۲- در هر نقطه ای که در راه پیمودن، به آب میرسد لازم است آنرا بر آن حیوان عرضه بدارد تا اگر تشنه باشد سیراب گردد.

۳- هرگز بر چهره آن نزنند.

۴- در موقع توقف در پشت آن ننشینند

مگر در هنگام جهاد در راه خدا (در این قبیل موارد گاهی نشستن بر پشت حیوان در حال توقف ضرورت پیدا می کند).

۵ - هرگز بیش از اندازه طاقت، بار بر پشت آن نهد.

۶ - هرگز بیشتر از آنچه آن حیوان طاقت دارد آنرا راه نبرد.

۷ - داغ بر چهره حیوان نهد.

۸ - در موقع لغزیدن آنرا نزند.^۸

و بالاخره باید توجه داشت که در هر گامی از گامهای زندگی و در هر لحظه ای از لحظه های عمر، انسانها با چندین حق از حقوق متقابل از قبیل حق رهبر، حق رعیت، حق پدر و مادر، حق فرزند، حق شوهر، حق همسر، حق خویشاوندان، حق معلم، حق مشعلم، حق برادر و خواهر دینی، حق همشین، حق بزرگترها، حق زیردستان... مواجه می باشند که رعایت آنها لازم و تخلف از هر یک از آنها ظلم محسوب می شود.

البته همه ظلم ها یکسان نیست و هر اندازه که حق مهمتر و تخلف از آن، اثر تخریبی بیشتر داشته باشد ظلم، در رابطه با آن بزرگتر خواهد بود و عاقبت وخیم تری خواهد داشت. مثلاً: آزادی یکی از حقوق مهم انسانها است و سلب آزادی ظلم بزرگی است. استقلال نیز در هر یک از ابعاد خود، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی یکی از حقوق بزرگ انسانها است و هر نوع اقدامی که علیه این قبیل حقوق انجام بگیرد ظلم و جنایت بزرگی است. و نیز روشن است که گناه ظلم به جوامع و ملت ها از گناه ظلم به فرد بسیار بزرگتر است و کسانی که این قبیل ظلم ها را مرتکب می شوند مرتکب جنایت بزرگی می گردند و نیز کسانی که به منابع طبیعی ملت ها - از قبیل معادن، زمین ها، دریاها،

نهرها و جنگلهای یک ملت چشم طمع میدوزند و یا دستبرد می زنند مرتکب بزرگترین ظلم ها و جنایت ها می شوند.

«ظلم» علاوه بر اینکه فطرتاً قبیح و از لحاظ منطقی و برهان عقلی کارناشایست و محکوم و از دیدگاه اسلام گناه بزرگی است، دارای عکس العمل و مکافات دنیوی و مجازات اخروی نیز می باشد. عالیم اجتماعی ابن خلدون در فصل ۴۳ از مقدمه خود تحت این عنوان: **إِنَّ الظُّلْمَ مُؤَدِّئٌ بِخَرَابِ العِمْرَانِ** یعنی: «ظلم موجب خرابی آبادیها می گردد». بر اساس علم جامعه شناسی آنرا اثبات و نمونه های بسیاری که از دیدگاه جامعه شناسی ثابت و مبرهن است را ذکر می کند.

آیات قرآنی و احادیث فراوانی نیز این مطلب را ثابت می کنند. قرآن کریم می گوید:

فَبَلِّغْ رِيسَتَهُمْ حَافِيَةً لِّمَا فَكَّلْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكَ لِمَا فَعَلُوا^۹ وَتِلْكَ الْاَلْفُرُؤُا اَهْلَكْنَاهُمْ لِمَا ظَلَمُوا^{۱۰}

حضرت امیر مؤمنان (ع) فرمودند:

اَلظُّلْمُ يُدْمِرُ الدِّيَارَ یعنی: «ظلم خانه ها را خراب می کند»^{۱۱}

مَنْ ظَلَمَ اَقْرَبَهُ یعنی: «هر کس ظلم کند کار خود را با دست خود به تباهی می کشاند»^{۱۲}
مَنْ جَارَ ظَلَمَ اَقْرَبَهُ یعنی: «هر کس ظلم می کند عمر خود را کوتاه و روز نابودی خود را نزدیک می کند»^{۱۳}

مَنْ ظَلَمَ زَعَمَهُ نَصَرَ اَهْلَآدَهُ یعنی: «هر کس به زیردستان و رعیت خود ظلم کند بدشمنان خود کمک کرده است»^{۱۴}.

و اما مجازات اخروی ظلم و اینکه آن موجب عذاب شدید الهی است و اینکه در صحنه معاد یکی از موافقی که در آن درباره ظلم هائی که در دنیا صورت گرفته است رسیدگی کامل بعمل خواهد آمد و مجازات

شدید صورت خواهد گرفت و هر اندازه که ظلم از جهت کیفیت و اثر و از جهت کمیت مؤثرتر و وسیعتر و بیشتر صورت گرفته باشد عذاب و مجازات زیادتر در دنیا خواهد داشت مطلبی است که آن از آیات قرآنی و احادیث فراوان دینی بدست می آید که توضیح بیشتر آنرا برای فرصت دیگری که بتوفیق خداوند فراهم خواهد گشت می گذاریم و در اینجا تنها با ذکر یک آیه از قرآن مجید و یک حدیث این مقاله را به آخر می رسانیم:

۱- اِنَّا اَخَذْنَا لِلظَّالِمِيْنَ نَارًا اَحَاطَ بِهِنَّ سُرَادِقُهَا وَ اِن يَنْشَقُّوْا بِعَاثِرًا يَمَآءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوْهَ بِسْرِ الشَّرَابِ وَ سَاوَتْ مُرْتَقًا^{۱۵}

یعنی: «ما برای ظالمان آتشی مهیا ساخته ایم که شعله های آن مانند خیمه های بزرگ) آنها را احاطه می کند و هرگاه از شدت عطش آب درخواست کنند، آبی مانند مس گداخته سوزان بآنها داده می شود که چهره های آنها را می سوزاند و آن آب، نوشیدنی بسیار بد و دوزخ نیز منزلگاه بسیار بدی است».

۲ - حضرت پیغمبر اکرم (ص) فرمود:

اَلظُّلْمُ قِيَامَةُ ظُلُمَاتِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ^{۱۶}
«از ستم کردن بهره یزید که در روز قیامت موجب تاریکیها خواهد شد».

- ۱ - عطية ۱۶۷ نهج البلاغه
- ۲ و ۳ - سفينة البحار ج ۱ ص ۲۹۰
- ۴ - سورة اسرى آية ۲۳ و ۲۴
- ۵ - برخی از این آداب هر چند مستحب است ولی دقیق بودن موثرین حقوق را می رساند. حدیث در سفینه البحار ج ۲ ص ۶۸۶
- ۶ - نهج البلاغه کلمات قصار شماره ۳۹۹
- ۷ - سفينة البحار ج ۱ ص ۲۸۹
- ۸ - سفينة البحار ج ۱ ص ۴۳۷
- ۹ - سورة نحل آية ۵۲
- ۱۰ - سورة يونس آية ۱۳
- ۱۱ - سورة كهف آية ۵۹
- ۱۲ - ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ - مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۳۴۲
- ۱۶ - سورة كهف آية ۲۹
- ۱۷ - اصول کافی ج ۲ ص ۳۳۲